

برداشت اول:  
اعتراض در آمال  
خودش می خواهد  
یک تصمیم بدیل  
را به جای تصمیم  
فعلی بیاورد. یک  
راه صیانت از  
فرصت های اعتراض  
و جلوگیری از  
تشریفاتی شدن  
اعتراضات، این  
است که مسئول یا  
نهاد مورد خطاب  
معترضان در نهایت  
موضع رسمی  
خود را نسبت به  
مطالبه و موضوع  
مورد نظر معترضان  
اعلام کند؛ یعنی  
سخن معترضان را  
بشنود و سپس نظر  
کارشناسی خود را  
درباره درخواست  
معترضان به طور  
رسمی ارائه کند تا  
صحنه فقط سرشار  
از صداهای مبهم  
یک طرفه نباشد،  
بلکه بین جامعه و  
سیاست، تعامل و  
مفاهمه برقرار شود.

تنگ نظری نباشد و نظارت بیرونی سخت نشود، مردم هم از اعتراض قانونی بیزار نمی شوند و بدون مجوز تجمع نمی کنند. اصلاح امور هم به صورت طبیعی انجام می شود. اما این بحث وجود دارد که اگر مثلاً در برابر استناداری تجمع شد و استاندار هم با خبر شد و فهمید، چه مرجعی پس از برگزاری تجمع اعتراضی، درخواست معترضان را پیگیری کند تا به نتیجه برسد؟

بگذارید در این نقطه مکث کوتاهی داشته باشیم. ساماندهی اعتراضات از این جهت مهم است که بتوانیم اعتراض قانونی را جایگزین اغتشاش قانون شکن کنیم اما ماجرا در همین نقطه پایان نمی یابد و حتی ممکن است نظم عمومی در اعتراض ها و تجمعات حفظ شود، اما اعتراض به یک امر صوری و تشریفاتی تبدیل شود که در کاهش شکاف دولت-ملت یا تصحیح خطاهای حکمرانی نتیجه ای نمی دهد. اعتراض در آمال خودش می خواهد یک نظم بدیل را به جای نظم فعلی یا یک تصمیم بدیل را به جای تصمیم فعلی بیاورد. شاید یک راه صیانت از فرصت های اعتراض و جلوگیری از تشریفاتی شدن آن، این است که مسئول یا نهاد مورد خطاب معترضان در نهایت موضع رسمی خود را نسبت به موضوع مورد نظر معترضان اعلام کند؛ یعنی سخن معترضان را بشنود و سپس نظر کارشناسی خود را درباره درخواست معترضان به طور رسمی ارائه کند. بگوید کدام مطالبه را بنا به چه دلایلی می پذیرد و کدام مطالبه را به چه دلیلی نمی پذیرد. مشابه امر مرسوم که وزارت کشور یا شورای نگهبان بعد از برگزاری انتخابات انجام می دهند و موضع رسمی خود را درباره نتیجه انتخابات اعلام می کنند. به این ترتیب، نهاد مورد خطاب معترضان را ملزم به پاسخگویی می کند تا صحنه فقط سرشار از صداهای مبهم یک طرفه نباشد، بلکه بین جامعه و سیاست تعامل و مفاهمه برقرار شود.

پیشنهاد خوبی است، با این پیشنهاد موافقم. سعی می کنیم از این پیشنهاد به گونه ای استفاده کنیم که اگر تجمعی برگزار شد و مردم وظیفه شان را انجام دادند، بعد نوبت مسئولان باشد که موضع رسمی خود را در خصوص نظر اجتماع کنندگان اعلام کنند و بگویند بنا دارند چه اقدامات اصلاحی ای را انجام دهند.

این الگو فرایند دیالکتیک جامعه و سیاست را جلو می برد، وگرنه هر دو در یک نقطه و اگر از هم متوقف می شوند یا چرخه باطلی شکل می گیرد.